

اگر می‌خواهیم هنر، همگانی شود

امروز دیگر نگارخانه‌ها صرفاً مکانی برای نمایش آثار هنری نیستند.



امروز دیگر نگارخانه‌ها صرفاً مکانی برای نمایش آثار هنری نیستند. علاوه بر اینکه محلی برای گردهمایی و چهره به چهره شدن هنرمندان با یکدیگر و مردم هستند، خیلی از آنها به کارکرد اصلی خود که فروش آثار هنری است روی آورده‌اند. نگارخانه‌ها در کنار جایگاهی که برای رشد و تعالی هنر به معنای اعم آن دارند در حوزه اقتصاد هنر بدون تردید نقشی کلیدی دارند و آثار تولیدکننده‌ها را به مصرف‌کنندگان آن می‌رسانند؛ چرا که هر اثر هنری برای زنده ماندن نیاز به دیده شدن مکرر دارد.

اگر بخواهیم چشم‌اندازی برای توسعه اقتصاد هنر در آینده ترسیم کنیم که درشان هنر و هنرمندان کشور باشد، و هنر ایران در بالاترین جایگاه خود در سطح منطقه و در تعامل مؤثر با اقتصاد هنر در جهان قرار بگیرد نیازمند یاری دوسویه دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی در کنار هم هستیم تا بتوان از آن نتیجه گرفت. یکی از راه‌حل‌های این امر بازبینی قوانین در این زمینه است تا دستگاه‌های مختلف با موظف شدن خرید آثار هنری از هنرمندان بتوانند این چرخه را به حرکت درآورند. متأسفانه اجباری نبودن بحث خرید دولتی آثار هنری از محل نیم‌درصد بودجه وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی، یکی از دلایل عمده کندی جریان خرید آثار هنری در کشور است.

اگر می‌خواهیم به موازات جایگاه تثبیت شده هنر ایران در عرصه معنویت، به دنیا نشان دهیم که هنر ایران از نظر اقتصادی نیز حائز اهمیت است، باید با حمایت سایر بخش‌های فعال در این عرصه بتوانیم هنر ایران را به‌عنوان یک هنر روزآمد و صاحب هویت هرچه بهتر و بیشتر به دنیا معرفی کنیم.

به‌نظر می‌رسد اگر بدنه خرید آثار هنری آن طور که باید از سوی مسئولین اجرایی این حوزه برای ساماندهی این بخش جدی گرفته شود، کمترین اثرش این است که نگرش بانک‌های دولتی به‌ویژه بانک‌های خصوصی را به حوزه هنرهای تجسمی می‌تواند تغییر دهد؛ همچنین تمایل سرمایه‌گذارانی که تازه قدم به بازار خرید تابلو گذاشته‌اند را تقویت کند.

از آنجایی‌که اقتصاد، مهم‌ترین مسئله هنرهای تجسمی است، اگر فرهنگ خرید آثار هنری به‌عنوان یک اصل مهم میان مسئولین و مردم ما نهادینه شود و با خرید آثار هنرمندان، اقتصاد هنر رونق پیدا کند، هنر از حاشیه به متن زندگی مردم وارد می‌شود و این امکان نیز فراهم می‌شود تا درک زیباشناختی مردم افزایش پیدا کند و هنر همگانی شود. لذا ضرورت پرداختن و توجه به اقتصاد هنر می‌تواند به پویایی هنر کمک نماید.

باید امیدوار بود دستگاه‌های اجرایی همت بخش خصوصی و فعالیت‌های وسیع آنها را قدر دانسته و به یاری این بخش بیایند. البته رونق نسبی اقتصادی که طی چند سال اخیر در زمینه هنرهای تجسمی پیدا شده، حاصل جمع چند عامل مهم است؛ و کارشناسان هنرهای تجسمی معتقدند مهم‌ترین عامل در رونق خرید و فروش تابلو و مجسمه از هنرمندان ایرانی ایجاد بستر حضور سرمایه‌های خصوصی در این حوزه است.

افق‌های تازه بین‌المللی که در حراج‌های خارج از ایران برای آثار هنری داخلی گشوده شده، نشان از تحول گسترده‌ای در زمینه اقتصاد هنرهای تجسمی در ایران دارد؛ اتفاقی که اگر مورد حمایت قرار گیرد در نهایت به رشد و تقویت نهال هنرهای تجسمی در کشورمان کمک خواهد کرد.